



اصلاح فرمول همسان سازی، از ادعا تا واقعیت

ادعای اصلاح طرح‌ها و قوانین مربوط به کارگران و زحمتکشانشان - با استناد به تجربه‌های دهه‌های اخیر - اصولاً پوششی برای دستبرد به حقوق زحمتکشانشان به وسیله رژیم ولایی بوده است. تغییرهای مکرر در قانون کار نمونه بارزی از یورش‌های ممتد رژیم ولایی به حقوق و منافع طبقه کارگر در سه دهه اخیر بوده است. با افزایش حداقل دستمزد کارگران در شورای عالی کار در اوائل سال ۹۹ مستمری بازنشستگان

ادامه در صفحه ۳

نامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
ضمیمه
کارگری

شماره ۴۱، ۱۵ دی ماه ۱۳۹۹



افزایش نگران کننده حوادث کار: نبود ایمنی و بهداشت کار همچنان قربانی می‌گیرد!

با اجرای برنامه تعدیل ساختاری و حذف هرگونه نظارتی در تولید صنعتی و صنعت ساختمان - با وجود رکود بی‌سابقه اقتصادی و تحریم‌های امپریالیستی - هر روزه مرگ تعداد زیادی از کارگران به علت حوادث کار را شاهدیم. در واقع، همچنان که یک عضو هیئت امنای تأمین اجتماعی به ایلنا، ۳ دی‌ماه، گفت، "کشور ما، یکی از رکوردداران حوادث کار در دنیاست. برای مثال سه نمونه اخیر این حوادث را یادآور می‌شویم. روز ۸ دی‌ماه در پی انفجار کیسول گاز در یک واحد ریخته‌گری در شهرک صنعتی آذرشهر دو کارگر "۲۵ ساله جان باختند؛ روز ۲۵ آذرماه در انفجار کوره ذوب فلزات کارخانه فولاد شهرک صنعتی سلفچگان "دو کارگر جان خود را از دست دادند و ۱۵ نفر مصدوم شدند؛ روز ۲۵ آذرماه دو نفر از کارگران شرکت‌های معدن پلاستر در معادن سنگ آهن سنگان خواف با روشن شدن ناگهانی دستگاه دچار حادثه شدند و "قبل از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست دادند.

بر اساس گزارش ۱۳ آذرماه ایلنا، "بیش از ۶۰ درصد حوادث کار کشور در بخش کارگران ساختمانی رخ می‌دهد" و "در بیش از ۸۵ درصد حوادث "نبود" محیط یا لوازم ایمنی نیروی کار از سوی کارفرما یعنی قصور کارفرمایان، نقش اصلی را ایفا کرده است." وزارت کار به سازمان جهانی کار متعهد شده است که "سامانه واحد آمار حوادث ناشی از کار را راه‌اندازی کند"، اما تا کنون خبری از این سامانه نشده است. در شرایط کرونایی و سردی هوا، کارگران ساختمانی اغلب روزها بی‌کار بوده‌اند و به‌رغم پرداخت حق بیمه "۱۷۰۰ هزار تومانی"، پساری از این کارگران بنا بر قوانین رژیم ولایی از دریافت مقرری بیکاری نیز محروم بوده‌اند. سازمان تأمین اجتماعی با صدور بخشنامه داخلی در ۵ آبان‌ماه، مهلت پرداخت حق بیمه برای کارگران ساختمانی را از ۶ ماه به ۳ ماه کاهش داد. این یعنی پرونده بیمه کارگری که در مدت سه ماه امکان پرداخت حق بیمه نداشته باشد، "مختومه" می‌شود. قبلاً پرونده کارگران بعد از ۶ ماه به "حالت تعلیق" در می‌آمد و آنان می‌توانستند با پرداخت "حق بیمه و جریمه ۲ درصدی" به بیمه‌پردازی خود ادامه دهند. در سال‌های اخیر سازمان تأمین اجتماعی سالیانه سهمیه‌ای برای بیمه کردن کارگران ساختمانی در نظر می‌گرفت. در سال جاری "هیچ سهمیه جدیدی تخصیص داده نشده است" و هم‌اکنون ۴۰۰ هزار کارگر ساختمانی در انتظار بیمه هستند. مطابق گزارش ۲۵ آذرماه ایلنا، "برآوردهای اولیه نشان می‌دهد، بیمه ۳۵۰ هزار کارگر ساختمانی به دلیل ناتوانی در پرداخت حق بیمه، باطل شده است." بخشنامه ۵ آبان‌ماه سازمان تأمین اجتماعی نیز عملاً وسیله‌ای برای حذف بیشتر کارگران ساختمانی از فهرست بیمه‌پردازان است. مطابق گزارش ۳ دی‌ماه ایلنا، در حال حاضر ۷ درصد سهم بیمه کارگر و ۱۵ درصد مجموع عوارض صدور پروانه از مالک، منابع مالی لازم برای پوشش بیمه‌ای کارگران را تأمین کند، اما بر اساس ماده ۵ بیمه کارگران ساختمانی که "منابع درآمدی سازمان تأمین اجتماعی را تعریف می‌کند"، در صورت "عدم تأمین منابع لازم جهت گسترش پوشش بیمه‌ای کارگران با تصویب هیئت وزیران، افزایش سقف مجموع عوارض" تا ۲۰ درصد "بلامانع است." بر اساس گفته عضو هیئت

ادامه در صفحه ۳

مبارزه برای: افزایش دستمزد، اتحاد عمل فراگیر، احیای جایگاه تشکل سندیکایی

طی هفته‌های اخیر درحالی‌که نزاع جناح‌های حکومتی جمهوری اسلامی، به‌ویژه پس از تغییرات مرتبط با انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و دورنمای مذاکره با کاخ سفید در دوره ریاست جمهوری جو بایدن، شدت گرفته است. طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات در مجلس، نامه خامنه‌ای پیرامون تعیین میزان برداشت از صندوق توسعه ملی در لایحه بودجه سال آینده و سپس تصویب کلیات بودجه سال آینده در کمیسیون تلفیق مجلس برپایه نظرات ولی فقیه، و مانور حسن روحانی بر مسئله همه‌پرسی، کشمکش و سهم‌خواهی کانون‌های قدرت و ثروت با یکدیگر را ابعادی تازه بخشید. این رقابت و صف‌بندی‌های جناح‌های حکومتی، به‌ویژه با ژرفش بحران اقتصادی و افزایش نارضایتی اجتماعی، از سویی در قبال خواست‌های مردم شکل‌هایی متنوع آمیخته با مانورهای فریبکارانه به‌خود می‌گیرد و از دیگر سو ادامه بر اجرای برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی متضاد با حقوق اکثریت مردم به‌ویژه توده‌های تهی‌دست و

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشانشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامه ناملی بر درس‌ها و تجربه‌ها ...

طبقه کارگر (به‌منظور حفاظت و همچنین تأمین منافع طبقاتی لایه‌های مرفه و انگلی جامعه) تأکید می‌کند. هم‌زمان با این تحول‌ها، نارضایتی اجتماعی افزایش یافته و جنبش اعتراضی و اعتصاب‌های کارگری به‌شکل پراکنده و نامنظم در سراسر کشور جریان دارد. بررسی موضوع خلع‌ید از مالکان هفت‌تپه در مجلس و با حضور وزیر اقتصاد پرده‌ای دیگر از مانورهای مجلس را برملا کرد. به‌علاوه، کمیته مزد (که ذیل شورای عالی کار انجام وظیفه می‌کند) کارش را آغاز کرد و در نخستین نشست خود همان‌گونه که انتظار می‌رفت دولت و کارفرمایان با هدفی واحد و معین موضوع "مزد منطقه‌ای" را پیش کشیدند. در همین زمینه سخنان معاون روابط کار وزارت کار در گفتگو با ایننا در خصوص سه‌جانبه‌گرایی و چگونگی محاسبه سبد معیشت، سیما و ماهیت واقعی سیاست‌های راهبردی رژیم در قبال موضوع دستمزد کارگران را آشکار به‌روشنی آشکار می‌سازد. نظر غالب در شورای عالی کار اجرای این سیاست‌ها بوده و هست.

امسال مسئله تعیین حداقل دستمزد کارگران با بحث بودجه، رکود اقتصادی، و اوضاع بحرانی ناشی از همه‌گیری کرونا درهم تنیده شده است و امکان این را که توده‌های کارگر بتوانند ریشه اصلی کاهش واقعی درآمد شان (با توجه به نرخ تورم) و علت شکاف ژرف میان هزینه-مزد را بهتر از گذشته دیده و تشخیص دهند، فراهم می‌کند. نشست‌های شورای عالی کار سال‌هاست که با پوشش تبلیغاتی‌ای حساب‌شده همراه بوده و جریان داشته که در آن گویا "چانه‌زنی و مذاکرات مزدی واقعی" صورت می‌گیرد و در نتیجه همواره حداقل دستمزد کارگران بسیار پایین‌تر از نرخ تورم و سبد معیشت تصویب و اعلام شده است. این دور باطل هر سال به‌شکلی و همراه با انواع ترفندها تکرار می‌گردد. پس از برآمدن نوبت اعتراضات جنبش کارگری، در پرتو افزایش آگاهی طبقاتی توده‌های کارگر و فعالیت سندیکالیست‌های راستین و دیگر هواداران منافع طبقه کارگر، توجه‌ها هرچه بیشتر به علت اصلی پایین بودن بسیار غیرعادی دستمزد و ادامه یافتن روند نابودی امنیت شغلی جلب شده است. این توجه‌ها در عین حال به یک واقعیت امیدوارکننده دیگر نیز معطوف بوده است. این واقعیت عبارت است از افزایش آگاهی و درک ژرف‌تر زحمتکشان از اهمیت فعالیت متشکل سندیکایی یا همان احیای حقوق سندیکایی. این نکته در اوضاع کنونی و در آستانه تصمیم‌گیری شورای عالی کار در مورد حداقل دستمزد سال آینده فوق‌العاده مهم است. برای آنکه بتوان در جهت رشد این آگاهی حرکت کرده و گام‌هایی مؤثر به‌پیش برداشت، باید مبارزه برای تأمین خواست‌های فوری (و مهم‌ترین خواست یعنی افزایش عادلانه دستمزد) را با خواست احیای حقوق سندیکایی شفاف‌تر از پیش پیوند زد. توده‌های کارگر در جریان کار و زندگی‌شان بی‌برده و بی‌می‌برند که سلاح کارآمد آنان در امور صنفی-رفاهی، تشکل سندیکایی است و هیچ تشکل دیگری نمی‌تواند جایگزین آن گردد. اما چرا تأکید بر احیای حقوق سندیکایی و لزوم پیوند آن با مبارزه برای تأمین امنیت شغلی و مطالبه‌های فوری مانند افزایش دستمزد به‌ویژه در این مرحله پراهمیت است؟ برای پاسخ دادن به این پرسش کلیدی نخست باید به وضعیت کنونی جنبش کارگری، حرکت‌های سندیکایی و ظرفیت‌های آن پرداخت و سپس در متن رویدادها و تحول‌های صحنه سیاسی نقاط قوت و ضعف جنبش کارگری-سندیکایی را به‌درستی و واقع‌بینانه بازشناخت. جنبش کارگری-سندیکایی با اینکه در مقایسه با سال‌های گذشته از رشد امیدوارکننده‌ای برخوردار بوده است، اما همچنان از سطح نازل سازمان‌دهی برخوردار است. این سطح نازل از سازمان‌دهی، از مانور دادن جنبش کارگری در دو عرصه صنفی و سیاسی و دستیابی آن به خواست‌هایش در این دو عرصه مانع می‌شود. یگانه راه به‌منظور آنکه ظرفیت جنبش کارگری را با امکانات بالفعل و بالقوه آن منطبق کرد و از این راه حرکت سندیکایی را تقویت کرد، پافشاری بر احیای حقوق سندیکایی است. همچنین فعالیت سازمان‌های سندیکایی و حضور اجتماعی آن‌ها، توانایی کارگران و زحمتکشان را برای داشتن نقش پررنگ‌تر در جنبش همگانی ضددیکتاتوری بالا می‌برد.

نکته بسیار مهم دیگر اشاره‌ای حتی گذرا هم شده به بحث‌های جاری پیرامون راهکارهای تقویت مبارزات زحمتکشان و چگونگی دستیابی به سازمان‌های سندیکایی است. در این زمینه ما در کنار گرایش‌ها و دیدگاه‌های مختلف و البته سالم و سازنده، با برخی برداشت‌ها و دیدگاه‌های نادرست و زیان‌بخش نیز روبرو هستیم. این گرایش‌ها و دیدگاه‌های نادرست، از مفهوم و ماهیت مبارزه صنفی-رفاهی، تشکل سندیکایی و جایگاهش در مبارزه

طبقاتی درک روشنی ندارد. تعریف این گرایش از جنبش صنفی و سندیکایی زحمتکشان، از آنجا که فاقد استحکام منطقی است، میان تردیونیسیم رفرمیستی (اتحادیه‌گرایی [سندیکالیسم] اصلاح‌طلبانه) و آنارکو سندیکالیسم



(سندیکالیسم آنارشویستی) در نوسان است. ازسویی مُبلغ "شورای سراسری کارگران ایران" است که "طبقه کارگر را در آستانه کسب قدرت و تحول سوسیالیستی قرار می‌دهد" و از دیگر سو پایبند به خط قرمزهای حکومت جمهوری اسلامی است، و با توجه به این مرزبندی و خط قرمزها، در طرد مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی "تشکیل مجمع عمومی" در مراکز کارگری را در حکم یگانه نسخه شفاف‌بخش تجویز و تبلیغ می‌کند! بر مبنای منافع جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی، چنین نظرات آشفته و نادرستی را باید با پیگیری افشا و طرد کرد. جنبش سندیکایی، جنبشی قائم به‌ذات بوده، همه زحمتکشان با هر عقیده، مذهب، زبان، و نژاد را دربر می‌گیرد. این جنبش فراگیر مدافع حقوق صنفی و رفاهی طبقه کارگر و طبیفی گسترده از زحمتکشان فکری و بدی است. در عین حال، جنبش سندیکایی بنا به‌ماهیت طبقاتی خویش، در عرصه سیاسی بی‌طرف نیست و جانبداری طبقاتی دارد. در مورد مشخص میهن ما در اوضاع کنونی، جنبش سندیکایی هم‌سنگر و بخشی جداناپذیر از پیکار همگانی بر ضد استبداد ولایی و مخالف سرسخت مداخله خارجی و تحریم‌های امپریالیستی است. در ادامه این بحث، به‌صورتی فشرده به مبارزات جاری زحمتکشان و تجربه‌های آن اشاره‌ای می‌کنیم. در خلال هفته‌های اخیر مبارزه حق طلبانه کارگران هفت‌تپه ادامه یافت. فراخوان تجمع روز چهارشنبه ۳ دی‌ماه ۹۹ به‌منظور پشتیبانی از مطالبه‌های کارگران هفت‌تپه که با نشست هیئت داور در باره قرارداد واگذاری این مجتمع هم‌زمان بود، اتفاقاً تجربه‌ای درخور توجهی جدی است و می‌تواند در بحث چگونگی ارتقای سطح سازمان‌دهی جنبش اعتراضی مفید باشد. این تجربه همچنین استقلال عمل طبقاتی و اتحاد عمل فراگیر را در حکم وظیفه‌هایی تردیدناپذیر و پراهمیت برجسته ساخت. اصل کلیدی در سازمان‌دهی و فراخوان‌ها، مطالبه‌محوری بر پایه استقلال عمل طبقاتی است. این اصل مهم نباید بر پایه شخص‌محوری فرد یا افرادی معین باشد که فاقد توانایی و سلامت سیاسی-اجتماعی‌اند. تنها در پرتو سازمان‌دهی و اتکا به خرد و فعالیت جمعی می‌توان مانع از فعالیت‌های عنصرهای ناسالم و ارگان‌های امنیتی رژیم شد. طرح شعارهای صحیح و فراگیر مانند "لغو خصوصی‌سازی" می‌باید بر پایه حضور توده‌های کارگر، ابتکار عمل آنان، و استقلال عمل طبقاتی‌شان باشد. همچنین با حد اعلا مسئولیت می‌باید منادی وحدت عمل سندیکایی بود. تفرقه، ذهنی‌گرایی، و فرقه‌گرایی آفت مبارزه است. تجربه تاریخی جنبش پرافتخار کارگری و سندیکایی ایران در همه دوره‌های آن نشان می‌دهد تا چه اندازه تأکید بر استقلال عمل طبقاتی، وحدت سندیکایی، و دوری از تفرقه در مبارزه با دشمنان طبقاتی کارساز و مؤثر بوده، هست، و خواهد بود.

حزب ما تلاش در راه وحدت صف‌های طبقه کارگر و برپایی سازمان‌های مستقل سندیکایی را دارای اهمیت اصولی می‌داند. ما با صراحت گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم وجود سازمان سندیکایی‌ای نیرومند، مردمی، و متشکل که درهای آن به‌رومی همه مزدبگیران باز باشد اولویتی انکارناپذیر است. پایه سیاست حزب توده ایران در ارتباط با مسایل سندیکایی که بخشی اساسی از مثنی رسمی حزب است، مبتنی بر این واقعیت است که اختلاف‌های ایدئولوژیکی موجود در میان گروه‌های زحمتکشان هرگز مانعی غلبه‌ناپذیر در راه وحدت عمل سندیکایی و اتحاد عمل فراگیر به‌منظور دست یافتن به هدف‌های مشترک نمی‌تواند باشد. در مسئله تأمین وحدت صف‌های جنبش سندیکایی و احیای حقوق سندیکایی، آگاهی توده‌های کارگر و فعالیت آگاهی‌بخشی‌ای خستگی‌ناپذیر در میان آنان ضرورتی تام و تمام دارند.

کوتاه سخن اینکه، مطالبه بی‌درنگ افزایش دستمزد را با خواست احیای حقوق و ساختارهای سندیکایی پیوند زیم، با اتحاد عمل فراگیر، دست در دست یکدیگر، با تشدید مبارزه، سیاست‌های ضدملی و ضدکارگری حکومت جمهوری اسلامی را به چالش بطلیم.

آیا دستفروشی یک حرفه است؟



خبرگزاری‌های رسمی داخل کشور با پوشش دادن نظریات ولی فقیه و رؤسای سه قوه سعی بر افای این دیدگاه دارند که تورم اقتصادی موجود و وخیم‌تر شدن زندگی مردم به دلیل تحریم‌های آمریکا و شیوع کووید ۱۹ است. اما آنچه ناگفته می‌ماند پیامد اجرای برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی ضد ملی حکومت جمهوری اسلامی است که عامل اصلی فقر و فلاکت مردم‌اند.

گسترش و شیوع کووید ۱۹ ضعف‌های ساختاری نظام‌هایی که از دستورات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی پیروی کرده و می‌کنند را نشان داد و همچنان می‌دهد. حقیقت امر این است که سیاست تعدیل ساختاری که خصوصی‌سازی از ارکان مهم آن است، با شدت وحدت در میهن مان به‌پیش برده شد و همچنان با زور و نیرنگ به‌پیش برده می‌شود. یکی از اثرهای شوم این سیاست‌ها پیدایش و رواج پدیده دستفروشی در کشور است. دستفروشی محصول بیکاری گسترده زحمتکشان، جوانان، زنان، و فروپاشی بنیه تولیدی است.

مطابق برآوردهای رسمی، ۶۵ درصد دستفروشان متأهل و دارای دو فرزند هستند. میانگین درآمد دستفروشان کمتر از یک میلیون تومان در ماه است. همچنین بیش از ۸۰ درصد آنان بیمه تأمین اجتماعی ندارند. در شهرهای بزرگ کشور هزاران تن با دستفروشی امرار معاش می‌کنند. دستفروشان همواره با ضرب و شتم و اخاذی از سوی نیروی انتظامی، بسیج، و شهرداری‌ها روبرویند. به‌طورمثال، ده‌ها زن سرپرست خانوار یا زنان کارگر و کارمند اخراج شده از شغل‌شان، در طول سکوهای متروهای تهران بساط پهن کرده و دستفروشی می‌کنند. درآمد این زنان زحمتکش در ماه حتی از یک میلیون تومان نیز کمتر است. در سال‌های اخیر، همراه افزایش نرخ تورم و اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی شماری بیشتر از مردان و زنان بیکار، معلمان، پرستاران، کارگران، و حتی کارمندان به دستفروشی برای تأمین معیشت مجبور شده‌اند. فقر و بیکاری حتی باعث روی آوردن هنرمندان و ورزشکاران به "شغل" دستفروشی گردیده است. چندی پیش محسن مدهنی، قهرمان کشتی جهان، با انتشار تصاویری اعتراضش را نسبت به وضعیت بد معیشتی و بیکاری و روی آوردن اجباری‌اش به دستفروشی در فضای مجازی نمایش داد. علاوه بر این، مطابق گزارش ۱۱ آذرماه ۹۹ ایسنا، عده‌ای از هنرمندان هم‌اکنون در خیابان‌ها و مترو دستفروشی می‌کنند.

در اقتصادی سالم و مردمی، دستفروشی یک حرفه محسوب نمی‌شود. تا زمانی که نویلبرال‌های وطنی بر تمام شریان‌های اقتصادی کشورمان حاکم‌اند و استبداد ولایتی جامعه را به فقر و انحطاط می‌کشاند، داشتن اقتصادی سالم، مولد، توأم با عدالت اجتماعی انتظاری بیهوده است. باوجود این، منافع و معیشت دستفروشان باید از جانب سندیکاهای حمایت و پشتیبانی شود. دستفروشان می‌توانند و باید برای دفاع از منافع‌شان در اوضاع کنونی با جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی همدوش و هم‌سنگر شود و به‌منظور ایجاد تشکل صنفی - سندیکایی کوشش کنند. ریشه‌کن کردن پدیده فقر و دستفروشی با تأمین شغل و مزد مناسب برای همگان بدون استثناء از خواست‌های جنبش کارگری و سندیکایی میهن ماست.

ادامه اصلاح فرمول همسان‌سازی ...

کارگری حداقل‌بگیر (یعنی ۷۰ درصد بازنشستگان) برای چهار ماه اول سال به ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان رسید. درحالی که بنا بر گزارش ۸ دی‌ماه ۹۹ ایسنا طی ماه‌های گذشته بانک مرکزی "خط فقر را ۱۰ میلیون تومان اعلام کرده است". رژیم ولایتی در سال ۱۳۸۸ و در راستای به اصطلاح ترمیم قدرت خرید مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی، با پرداخت "به‌طور متوسط ۸۰ هزار تومان" به هر بازنشسته طرحی به‌نام "همسان‌سازی" ظاهراً به‌منظور رساندن قدرت خرید مستمری‌بگیر به "زمان ابتدای برقراری مستمری" را آغاز کرد، اما در سال‌های بعد از ۸۸ اجرای این طرح متوقف شد. متعاقب تجمع‌های گسترده بازنشستگان در اعتراض به ناچیز بودن مستمری‌شان، کارگزاران رژیم اجرای دوباره طرح "همسان‌سازی" را در پایان مردادماه امسال اعلام کردند. بعد از اجرای دوباره این طرح، مستمری بازنشستگان با سوابق "۳۰ تا ۳۵ سال" به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان، یعنی حداکثر به یک سوم خط فقر، افزایش یافت.

حدود ۳۰۰ هزار بازنشسته با استفاده از قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل "سخت و زیان‌آور" در کشور وجود دارند که براساس اجرای به‌اصطلاح طرح همسان‌سازی بابت ۱۰ سال سوابق بیمه‌ای "استحقاقی" فقط مبلغی بین "۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان" به مستمری این بازنشستگان افزوده شد. در صورتی که حتا بر اساس طرح همسان‌سازی رژیم ولایتی هر یک سال از سابقه بیمه‌پردازی این بازنشستگان می‌بایست "۱/۵ سال در نظر گرفته" می‌شد که در این صورت مستمری این بازنشستگان بابت ۱۰ سال سابقه بیمه‌پردازی "استحقاقی" حداقل ۱ میلیون و ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان" باید بیشتر افزایش می‌یافت. اجرای "همسان‌سازی" از نوع حتا رژیم ولایتی‌اش و مطابق گفته معاون دبیرکل خانه کارگر در ۷ دی‌ماه، به حدود "۵۳ تا ۵۸ هزار میلیارد تومان" اعتبار نیاز داشت. درحالی که در اعلام مردادماه رژیم صرفاً مبلغ "۱۷ هزار میلیارد تومان" اعتبار در نظر گرفته شده بود. مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در ۱۹ آبان‌ماه ۹۹ تغییر و اصلاح "فرمول مردادماه" به‌خصوص در مورد بازنشستگان مشاغل سخت و زیان‌آور در آذرماه را وعده داد. نتیجه اینکه در حال حاضر حتا کارگزاران رژیم هم به‌جای همسان‌سازی، اصطلاح "متناسب‌سازی" را به‌کار می‌برند. سازمان تأمین اجتماعی مطابق ماده ۹۶ قانون خودش "موظف به افزایش و ترمیم عقب‌ماندگی حقوق بازنشستگان برابر با نرخ تورم و افزایش هزینه‌های زندگی"، یعنی در شرایط مشابه حال حاضر، حداقل ده میلیون تومان در ماه است. بعد از چهار ماه انتظار بازنشستگان و به‌اصطلاح "اصلاح فرمول همسان‌سازی"، دریافتی ماهانه هر بازنشسته "بین بیست تا ۱۰۰ هزار تومان" افزایش یافت. اما این به‌اصطلاح افزایش با خواست بازنشستگان فاصله زیادی دارد.

رژیم با اجرای "همسان‌سازی"، مستمری بازنشستگان کارگری را به ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان رساند در صورتی که - به‌هدف ایجاد تفرقه بین زحمتکشان - در اجرای "همسان‌سازی" برای بازنشستگان صندوق‌های کشوری و لشگری کف حقوق آنان را به "حدود ۴ میلیون تومان"، یعنی کمتر از نصف خط فقر، رسانده است. معاون دبیرکل خانه کارگر در ۷ دی‌ماه به‌جای زیر ضرب گرفتن سیاست‌های رژیم و برنامه تعدیل ساختاری‌اش که مستمری‌های یک‌سوم خط فقر را برقرار کرده عملاً به بازنشستگان صندوق‌های کشوری و لشگری حمله می‌کند، و این اولین بار هم نیست که از سوی این تشکیلات این‌گونه حرکت‌ها انجام می‌شود. خانه کارگر و تشکل‌های زرد حکومتی همواره سیاست ایجاد اختلاف و تفرقه در میان زحمتکشان شاغل و بازنشسته را تعقیب کرده‌اند.

ادامه افزایش نگران‌کننده حوادث کار ...

انمای سازمان تأمین اجتماعی، بیمه کارگران ساختمانی "حدود ۰/۵ تا ۱ درصد هزینه‌های ساخت را تشکیل می‌دهد" و در ایران "ساخت‌مانی‌سازی دارای مافیای پنهان است... [و] کارفرمایان حاضر نیستند مبلغ زیادی را برای تأمین ایمنی محیط کار فراهم کنند". کارگران ساختمانی با تهیه توماری اصلاح ماده ۵ در راستای "حذف سهمیه‌بندی بیمه" کارگران ساختمانی، "پرداخت غرامت در زمان بیکاری" کارگران، و فراهم آوردن شرایط برای بازنشستگی کارگران "با ۵۰ سال سن و ۳۰ سال سابقه بیمه" را خواستار شدند.



سایت فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری - ۲۷ آذر ماه ۱۳۹۹
<http://www.wftucentral.org/wftu-solidarity-statement-with-the-farmers-struggle-in-india/>

مبارزه برای تأمین حقوق کارکنان بخش بهداشت و درمان آفریقای جنوبی

اتحادیه ملی آموزش، درمان، و کارگران هم‌پیمان (ان-ای-اچ-ای-دبلیو-یو) به‌عنوان بزرگ‌ترین سندیکای کارگری در گروه درمانی کلینکس [شبکه کلینکس یک گروه خصوصی بین‌المللی بیمارستان و خدمات پزشکی فعال در آفریقای جنوبی است] بر سر موضوع‌هایی مختلف برای اعتصاب آماده می‌شود. این اعتصاب در نتیجه شکست مذاکرات دستمزد میان سندیکا و کارفرما صورت می‌گیرد. اتحادیه ملی خواست‌هایش را به‌شرح زیر به کارفرما اعلام کرده است: افزایش سراسری دستمزد به‌میزان ۱۰ درصد؛ حداقل حقوق ۶۵۰۰ راند (واحد پول آفریقای جنوبی)؛ کمک هزینه مسکن ۱۵۰۰ راند؛ پرداخت هزینه سالیانه لباس کار.

در مخالفت با درخواست اتحادیه برای افزایش ۱۰ درصدی دستمزد، کارفرما هم پیشنهاد افزایش صفر درصدی حقوق را مطرح کرد. حتی کارفرما آن را کافی ندانسته و علاوه بر آن تهدید کرده که مبلغ کمک غذایی پرداختی را نیز قطع خواهد کرد. همچنین جلسه رسیدگی به اختلافات برگزار شد. مشکل حل نشد و دلیلش این بود که کارفرما برای مخالفت با خواست اتحادیه تاکتیک اخراج کارگران را در پیش گرفت. اتحادیه ملی اعضای خود را در طی جلسه گزارش دهی و رای‌گیری قانع کرد که اعتصاب ضروری است و اعضا اعتصاب را تصویب کردند. محیط‌های کاری و بیمارستان‌های بخش خصوصی و چند بیمارستان دولتی دیگر شامل اعتصاب می‌شوند. کارفرما عملاً در نشان دادن قدردانی خود از فداکاری و زحمات کارگران بیمارستان که از جان و دل در تلاشند تا کار این مؤسسات دوام یافته و جان انسان‌ها را در دوران همه‌گیری کووید-۱۹ نجات دهند، ناتوان است.

سایت کنگره سندیکاهای کارگری آفریقای جنوبی - ۵ دی ماه ۱۳۹۹
<http://mediadon.co.za/2020/12/10/nehawu-currently-preparing-for-a-strike-at-the-clinix-health-group/>

بزرگ‌ترین اعتصاب جهان و درس‌های آن



اعتصاب باشکوه و گسترده دهقانان، کارگران کشاورزی، و کارکنان بخش‌های صنعتی و

خدماتی هند در هفته‌های گذشته بازتابی جهانی پیدا کرد. این اعتصاب بزرگ در برگزیده چند تجربه و درس با اهمیت بود. توجه و تأکید بر این درس‌ها می‌تواند برای مبارزات زحمتکشان میهن ما مفید باشد. این تجربه‌ها را به‌طور فشرده می‌توان چنین جمع بندی کرد: سازمان‌دهی منسجم و چند لایه شامل سازمان‌دهی محلی - منطقه‌ای - رشته‌ای - استانی و سراسری؛ سطح همبستگی تحسین برانگیز؛ جلب حمایت اجتماعی با طرح خواست‌ها و شعارهای صحیح، دقیق و بسیج کننده؛ وحدت عمل سندیکایی؛ جانبداری طبقاتی در عرصه سیاسی و جهت‌گیری ضد سرمایه‌داری، مخالفت با نسخه‌های نولیبرالی دولت دست راستی هند؛ سازمان‌دهی اعتصاب و کارزار تبلیغاتی با ابتکار و حضور توده‌های کارگر و کشاورز؛ فعالیت مشترک سندیکاهای کارگری، اتحادیه‌های دهقانی و نهادهای مترقی؛ دوری از تفرقه، تأکید بر اتحادعمل و طرد عناصر تفرقه‌انداز وابسته به دولت؛ تشخیص درست دوستان و دشمنان داخلی و خارجی و جلب حمایت نیروهای سیاسی مترقی هند و جنبش جهانی سندیکایی. در همین رابطه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری با صدور بیانیه‌ای از این اعتصاب بزرگ پشتیبانی کرد.

همبستگی فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری با مبارزات دهقانان و کارگران هند:

فدراسیون، به‌نماینده‌ای از طرف ۱۰۵ میلیون کارگر عضو خود که در ۱۳۰ کشور از ۵ قاره جهان کار و مبارزه می‌کنند، به اعتصاب باشکوه و عظیم که با حضور ۲۵۰ میلیون کارگر، دهقان، و کارکنان همه بخش‌ها صورت گرفت، درود می‌فرستد. جنبش سندیکایی هند سیاست‌های ضد مردمی، ضد کارگری و ضد منافع ملی دولت مودی را قویاً و موکداً محکوم می‌کند. فدراسیون با جنبش سندیکایی هند هم‌صدا شده در کنار اتحادیه‌های دهقانی که در اطراف شهر دهلی‌نو به‌صورت ایستاده اعتصاب کردند، قرار دارد. مطالبه زحمتکشان فسخ سه قانون ضد کشاورزی و همچنین مصوبه افزایش هزینه برق است. جنبش سندیکایی جهان از خواست‌های عمومی کشاورزان، کارگران، و تمامی خواست‌های این اعتصاب بزرگ حمایت می‌کند. ما قویاً محدودیت‌های به‌وجود آمده برای تجمع‌های دهقانان در بعضی از ایالت‌ها و همچنین پخش دروغ‌های دولت هند برای بدنام کردن مبارزات اتحادیه‌ها و تفرقه انداختن بین عموم مبارزان را محکوم می‌کنیم. این کارهای غیر قابل پذیرش نشانگر عملکرد خودسرانه و دیکتاتورمآبانه دولت هند است که قطعاً شکست خواهد خورد. ما از کارگران و کشاورزان هند می‌خواهیم که مبارزات را تا حصول به خواست‌های برحق خود ادامه دهند.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
<http://www.tudehpartyiran.org>
 آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»
 E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۴۱
 Nameh Mardom - Workers Supplement No.41

4 January 2021

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

